

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»
تنظیم و ویرایش: پورتال

بحر طوفانی

در زمان بیدادگریهای تنظیمی سروده شده است

ای جنون حیوانی، وی هوای نفسانی
این گروه درویشان، ظالم اند و بدکیشان
میگشند انسان را، میدرنند حیوان را
مرد باردا و ریش، زن به گور و در تشویش
قطع دست و پا کردن، فسق برملا کردن
ای فلک ز تو فریاد، ملک شد ستم ایجاد
زیر خرقة سالوس، خُده و فریب افسوس
ناخدا خدا گویان، کجروان و کجپویان
باغ بی سرانجام است، جلوه طرب نام است
در چمن نمیابم بزم عیش و گلبیزی
عندلیب و موسیقار، بسته لب ز موسیقی
یاسمن پر از گرد است، روی نسترن زرد است
چند نفس سرکش را میگشی و میرانی
رم کنند از ایشان، بندگان سبجانی
با قیاس حیوانی در لباس انسانی
نی بنای اسلامی ست، نی نصاب قرآنی
سجده ریا کردن، با قبای روحانی
آب و خاک هم برباد، با هزار قربانی
وا ازین خداجوئی، وا ازین مسلمانی
رفته از کفش سُکان، بحر گشته طوفانی
صبح نیست این شامست، وه چه شام ظلمانی
مرغ را نمیبینم در نوا و خوشخوانی
تاردا و عمّامه، میکند سخنرانی
هرچه هست پردرد است، هرچه هست ویرانی

رهروان این منزل، تا کمر فرو در گِل صد دل اند و بایک دل، صد هزار حیرانی
تنگ چشمی زاهد می نبیند آدم را غیر قاصر و خاسر، غیر عاصی و زانی
خلوت است «اسیر» امشب باده ای به ساغر کن
ورنه غم نخواهد رفت از دلت به آسانی

(بُن - المان، می ۱۹۹۵ع)